

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد اسحاق برکت
ویرجینیا - دهم می ۲۰۱۰

بیانید پښتو بیاموزیم

گرنی پښتو او لغتونه

(محاورة و لغات پښتو)

د پښتو ۱۳ لوست

(درس ۱۳ پښتو)

درس امروز پښتو را با استعمال چند لغت بسیار معمول و مروج در محاوره ها که بعضی نویسندگان گرامی آنرا بر اثر عدم توجه غلط مینویسند ، آغاز و اختتام میبخشیم . خدا کند مورد استفاده قرار گیرد.

تل پاتی : بمعنای دایم و قائم ، مدام ، همیشه ، پا برجا ، پایدار ، ثابت ، برقرار و جاویدان

- د تل پاتی خدای په نامه پخپل (په خپل) درس پیل (شروع) کوو!

- د غازی امان الله خان هغه خبرې چې خلکو ته یې د پغمان په جرگه کې کړې وې تل پاتی دي او هغه هیڅ کله به د خلکو هېرې نشي.

همین اکنون که مصروف این سطور هستم چند لغت زیبای پښتو را از لابلای خبرهای داخل وطنم از طریق تلویزیون شنیدم ، چه خوب که در باره آنها چیزی نوشته و خدمت شما دوستداران و علاقه مندان گرامی تقدیم نمایم

۱ - بښونه او روزنه : در اصطلاح مروج در میان مردم ، بمعنای تعلیم و تربیه - گرفته شده از دو مصدر بسیار معمول و مستعمل:

بښول او روزل.

الف - بښول : یعنی نشان دادن ، یاد دادن ، آموزاندن یک مصدر متعدیست و اشتقاقهایش عبارتند از:

- بښونه بمعنی تعلیم و آموزش آنچه میاموزیم و آنچه بما آموختانده میشود.

- بښونیز یعنی تعلیمی و آموزشی

- بښوونکی ، اسم فاعل - یعنی معلم ، آموزگار و کسی که ما را می آموزاند. که شخص مقابل آنرا (زده کوونکی) یعنی شاگرد یا آموزنده میگویند.

- بښوونځی ، اسم مکان جائی که چیزی می آموزیم یعنی مدرسه و مکتب.

ب - روزل بمعنای تربیه کردن ، پرورش دادن، یک مصدر متعدیست و مشتقاتش عبارتند از:

- روزنه به معنای تربیه ، پرورش و نشو و نمو دادن.

- روزنیز یعنی تربیوی

- روزونکی به معنای مربی و پرورنده و پرورش دهنده

- روزنځی یا روزنتون - پرورشگاه

تبصره ۱ :

با حذف (ل) علامه مصدری و علاوه نمودن پسوند (وُنکی) در اخیر مصدر ، اسم فاعل یا کننده کار ساخته میشود چنانچه از:

- خورل - خورونی یعنی خورنده
- زه د عمر اکا کورته نه خم ، هغوی یودپر خورونکی سپی لری.
- من خانه کاکا عمر نمیروم ، آنها یک سگ بسیار خوردنوک دارند.
- لیدل - لیدونکی یعنی بیننده
- روزل - روزونکی ، پرورش دهنده ، تربیه کننده ، مربی
- تلل - تلونکی ، رونده
- اورپدل ، اورپدونکی ، سامع ، شنونده
- بنول ، بنوونکی - اوستاد ، معلم
- کار کول ، کارکونکی ، کار کننده
- غولول ، غولونکی ، فریب کار

تبصره ۲ :

اگر مصدری که از آنها اسم فاعل و یا اسم مکان درست میشود به (ول) ختم میشوند ، اسم فاعل شان به دوحرف (و) نوشته میشود که مع الاسف بسیار نویسنده آنها را به یک (و) مینویسند که قاعدتاً درست نیست.

- بنول ، بنوونکی - بنوونکی

تبصره ۳ :

با حذف (ل) علامه مصدری و علاوه نمودن پسوند (نخی)، از برخی مصادر در پینتو اسم مکان ساخته میشود ، اما این حکم عام نبوده ، اسم مکان را از اسماء و افعال با علاوه نمودن پسوند (تون) در اخیر اسم و فعل ، میسازند ، به این مثالها توجه فرمائید:

- بنول - بنوونکی
 - روزل - روزنخی یا روزنتون
 - پخول - پخوونخی یا پخلنخی
 - پپژندل - پپژنتون
 - وسله - وسله تون
 - زپرمه - زپرمه تون
 - چارل - چارنتون
 - ساتل - ساتنتون
 - پوهنه - پوهنتون
 - درمل - درملتون
 - زپژنه - زپژنتون
- او دپر داسی نور چی دم مهال تول ز ما نه په زره کپری.

تر بل پینتو لوست مو په لوی او مهربان خدای سپارم ، روغ ، رمت او بریالی اوسئ!